

# بررسی سبک‌شناسانه حماسه‌های دینی در ادب پارسی

محبوبه شمشیرگرها\*

## چکیده

در این مقاله به مطالعه سبکی حماسه‌های دینی به ویژه مهم‌ترین آنها نظر کرده‌ایم. در بررسی ویژگی‌های این دسته آثار به جنبه‌های درونی و بیرونی منظومه‌ها در ذیل توجه به سه بخش عمده «ویژگی‌های معنایی و محتوایی»، «ویژگی‌های زبانی و صوری» و «ویژگی‌های ادبی و تصویری» پرداخته شده است. طراحی سه بخش عمده این مقاله بر اساس روش پیشنهادی دکتر سیروس شمیس در بررسی سبک‌شناسی متون در سه سطح زبانی، فکری و ادبی، به صورت جداگانه انجام شده است.

## واژه‌های کلیدی

سبک، عناصر سبکی، حماسه، حماسه‌های دینی، حمله حیدری، حمله راجی، خاوران‌نامه

---

\* دانشجوی دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

**مقدمه**

با اندکی تسامح می‌توان منظومه‌هایی را که در اصطلاح حماسه دینی خوانده می‌شوند زیرمجموعه‌ای از حماسه‌های تاریخی به حساب آورد. چرا که ممکن است موضوع حماسه تاریخی، تاریخ زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی و وصف رویدادها و دلاوری‌های او باشد که با توجه به حقایق تاریخی و آمیختن آنها با عناصر و قالب داستانی به وجود آمده است. اما موضوع این‌گونه حماسه‌ها گذشته از حماسه‌های تاریخی، صرفاً وصف دلاوری‌ها و رشادت‌های بزرگان دینی است. این منظومه‌ها که بر اثر استادی و اعتقادات سرشار دینی سرایندگان آنها گاه بسیار دل‌انگیز و زیبا سروده شده‌اند، دارای ویژگی‌هایی هستند که در شمار خصایص منظومه‌های حماسی به حساب می‌آیند، بنابراین به «منظومه‌های حماسی دینی» موسوم شده‌اند.

پس از آنکه ایرانیان و مردم تمدن کهن این سرزمین، دل و دین به رسالت محمدی سپردند و حب و ولای خلیفه او را به جان خریدند و مذهب شیعه و دوستی دوستان اهل بیت و برائت از دشمنان علی و آل او را در سینه جای دادند، با ترکیب این روحیه و پیشینه ظفرمندی و روح شور و حماسه‌گری باستانی و نیز ضمیر ادبی پاک و صیقل خورده که از اجداد و نیاکان پشت به پشت به آنها منتقل شده بود، به خلق حماسه‌هایی با مضمون دینی و در مدح و نعت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) و وصف وقایع تاریخی و وصف رشادت‌های آنان در میدان‌های مبارزه دست زدند.

وقایع شگفت‌آور عظیم دینی موجب ظهور خلاقیت‌های هنرمندان و شاعران برای آفرینش حماسه‌های دینی شد؛ چنانکه رویدادهای بزرگ ملی، برای هنرمندان پیش از آنها انگیزه آفرینش حماسه‌های ملی - قومی گشته بود. شاعران ایرانی از آبشخورهای اولیه و عناصر حماسه‌ساز که در لابلای متون دینی به وفور یافت می‌شود بهره گرفته و به پردازش ادبی و هنری آنها همت گماشتند و در نهایت آن سرمایه‌های اولیه دینی و تاریخی را به صورت آثار گرانسنگ حماسی عرضه کردند.

در متون مذهبی و دینی هم‌چون قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام جاذبه‌های معنوی و هنری در فرآیند تبدیل حادثه به اثر ادبی پرشکوه حماسه، نسبت به متون دیگر از افزونی

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

بیشتری برخوردار است. اهتمام شاعرانی که دست به خلق حماسه دینی زدند در لحاظ کردن قواعد هنری و ذهنی و خلاقیت ادبی و در نهایت آفرینش یک اثر ویژه حماسی بود تا بتوانند ضمن بازگو کردن حوادث و رویدادهای تاریخی که در زمان صدر اسلام رخ داده، به بیان بزرگواری‌ها و رشادت‌های بزرگان و مولایان مذهبی و نیز ابراز احساسات پاک و بی‌آلایش خود نسبت به این سرداران معصوم بپردازند. اینکه هر یک از آنها برای تحقق این امر از چه شگردهایی استفاده کرده‌اند امری است که بخشی از آن در این مقاله بررسی خواهد شد.

تعداد حماسه‌های دینی که در طول تاریخ ادب پارسی خلق شده کم نیست اما

مشهورترین آنها عبارتند از:

حملة حیدری باذل

حملة حیدری راجی کرمانی

خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی

ادریب‌هشت‌نامه سروش اصفهانی

جنگ‌نامه علی (ع) سروده آتشی شاعر

جنگ‌نامه محمد حنیفه و داستان علی‌اکبر، از محمدطاهر شاعر (عامل)

خداوندنامه فتحعلی‌خان صبا

دلگشنامه سروده غلامعلی آزاد بلگرامی

شاهنامه حیرتی (تونی)

صاحبقران‌نامه، سروده شاعری گمنام

غزوانامه، از اسیر شاعر

مختارنامه، سروده عبدالرزاق بیک دنبلی - متخلص به مفتون

افتخارنامه حیدری

علی‌نامه

## ۱- ویژگی‌های معنایی و محتوایی

### الف) بازتاب اعتقادات و باورهای مذهبی

یکی از ویژگی‌های محتوایی حماسه‌های دینی بازتاب اعتقادات و تعلقات عمیق مذهبی شاعران در آنهاست و این چیزی است که در حماسه‌های ملی دیده نمی‌شود. شاعر حماسه سرای ملی خوش نمی‌داشت که اعتقادات دینی خود را در میان کلام ادبی‌اش، برملا سازد و یا به جنبه‌هایی که مستقیماً نشان‌دهنده باورداشت اوست بپردازد. اما شاعران حماسه‌سرای دینی از هر فرصتی بهره می‌گیرند تا اعتقاد عمیق خود در باب راستی دین اسلام و برتری بزرگان سپاه حق بر سپاه باطل بیان داشته و جلوه‌هایی از این نورانیت و حقیقت را به تصویر بکشند. مثلاً در حمله راجی می‌توان به نورانی شدن رزمگاه با تابیدن نور رخ حضرت علی (ع) اشاره کرد:

چه نور رخش گشت تابان ز دور	همه رزمگه گشت لبریز نور
جهان روشن از نور سیمای او	به گیتی نه کس بود همتای او
چون نور رخش در حرم تافته	حرم نور از رای او یافت

حمله راجی/ص ۲۴۳

### ب) هدف از سرایش

در مقابل حماسه‌های ملی که هدف از آنها بیشتر طرح مسائل قومی و ملی است، هدف از بیان روایت‌ها و نقل رخدادها در حماسه‌های دینی بیشتر بشری است و مجموعه تلاش‌ها در جستجوی حاکمی عادل و در جهت ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت است. به عبارت دیگر در این نوع هم اندیشه‌ها و هم اهداف هر دو آرمانی هستند. در حمله حیدری باذل و راجی و نیز خاوران‌نامه، برخلاف حماسه‌های ملی هدف اعتقادی و اجتماعی است نه مباحثات بر ملیت و نژاد و هویت ایرانی. یعنی شاعر علاوه بر اقناع نفس به انگیزه مبارزه‌جویی قلم برداشته و با استفاده از روایات تاریخی در یک بافت اغراق‌آمیز، فضایل و مناقب اعتقادی شخصیت‌های معلوم و مورد علاقه را به نظم درمی‌آورد. در این منظومه‌ها منظور، شکل‌بندی ملیتی نیست و تلاش در جهت ایجاد حکومت صورت نمی‌گیرد. هدف در این گونه حماسه‌ها غالباً دوگانه است: شخصی و اجتماعی. از جنبه شخصی غرض برکت‌جویی و شرح مناقب بزرگان دینی به دلایل اعتقادی و عمده‌ترین آنها اقناع نفس است. در بازگفت این عظمت و ایجاد زمینه‌ای

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

است جهت یادکرد موارد عبرت‌آموز اخلاقی. اما از جهت اجتماعی انگیزه اصلی سرودن این منظومه‌ها مقابله‌جویی و معارضة با پیروان مذاهب دیگر است.

### ج) وجود اندیشه‌های بلند و مضامین حکمت‌آمیز

نتیجه اغلب حکایات حماسه‌های دینی گویای آن چیزی است که آدمی در آرزوی رسیدن بدان است یعنی کمال واقعی و چیزی که منوط است به وجود انسان کامل و انگیزه‌ای است در کمال بخشی انسان به سوی تعالی؛ به عبارت دیگر نوعی خودشناسی است که خرد رهنمون آن است.

بیاتا به چشم خرد بنگریم	که بر آفرینش به رفعت سریم
مگر کز ره دانش و رای خویش	توانیم بودن شناسای خویش
نه بر هرزه نقش تو آراستند	که از آفرینش تو را خواستند
ز هر نقش کز کلک تقدیر توست	غرض در میان نقش زیبای توست

خاوران‌نامه/ص ۵۷

هدف از این حماسه‌ها، ترسیم این نقش در لباس مدح و وصف و اغراق و در تعظیم بزرگترین اسطوره‌های دینی است. شاعر در این راستا خود را ملزم می‌داند در خلال بیان رخدادهای طبیعی و توصیف صحنه‌های رزم، توجه خواننده را به آموزه‌های حکمت‌آمیز، بی‌اساسی دنیا، لزوم بی‌توجهی به جهان مادی و... منعطف کرده و همانند استاد طوس لب به پند و اندرز بگشاید:

نکو بنگر و با خرد یار شو      هلا خفته‌ای زود بیدار شو

حمله باذل/ج ۱/ص ۷۸

بدین پند و اندرز من گوش‌دار      بزن تکیه بر دانش و هوش‌دار

حمله باذل/ج ۱/ص ۱۵۴

چنین است کار سرای کهن      گهی بر فرازد گه آرد شکن

حمله باذل/ج ۲/ص ۱۳۴

در آخرین ابیات منظومه راجی چنین می‌خوانیم:

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

کسی را بقای ابد یار نیست      به جز خاک او را سروکار نیست  
همه هر چه هستند از خوب و زشت      نباشد به جز خاکشان سرنوشت

حمله راجی / ص ۳۴۸

### هـ) وجود برخی عناصر و رویدادهای اسطوره‌ای

حماسه‌های دینی در میان ایرانیان از جایگاهی بینابین برخوردار است. این نوع حماسه‌ها بین حماسه‌های اسطوره‌ای و حماسه‌های تاریخی قرار دارند. چنین منظومه‌هایی به رغم اینکه حوادث تاریخی و محقق‌الوقوع را تصویر می‌کنند، همواره به دلیل اینکه شاعر آنها ذهنیتی ملیتی از نوع ایرانی دارند و نیز شخصیت‌های داستان‌های آن بزرگانی آرمانی، کامل و برخوردار از نیروها و ظرفیت‌های اعجاز و کرامت هستند، همواره به مرزهای حماسه‌های اسطوره‌ای نزدیک می‌شوند. پاره‌ای مفاهیم اسطوره‌ای و نیمه‌اسطوره‌ای که در وجدان شاعر دلدادۀ اهل بیت رسول و روح قومی او تمرکز دیرینه یافته، همانند نوری فضای خلوت و ساکن تاریخ را روشن می‌کند. البته همه حماسه‌های دینی از این نظر در یک رده قرار نمی‌گیرند. بعضی همانند حمله حیدری باذل به نقل داستان‌ها بدون دخالت روح اسطوره‌ای و افسانه‌ای می‌پردازند و برخی دیگر مانند حمله راجی، خیال را به عنوان عنصر هنرپروری وارد داستان‌های واقعی می‌کنند. در این میان حماسه‌ای نظیر خاوران‌نامه نیز یافت می‌شود که تخیل و رویکرد فرازمانی و فرامکانی و فراشخصیتی آن به تاریخ، به عنوان نکته اساسی در نقل داستان‌ها مورد توجه شاعر قرار گرفته است. به طور کلی آنچه مسلم است اینکه این منظومه‌ها صرفاً بیان حوادث بدون دخالت عنصر خیال‌ورزی شاعر نیستند. در این بعد خاص، می‌توان به حوادث مختلف داستانی اشاره کرد که در آن صورتی از خیال مطرح است و طرح عمده‌ای از حرکات و سکنات شخصیت‌ها در بی‌زمانی و بی‌مکانی و بی‌مرزی قرار دارند و گاه جنبه‌های مختلف انفسی بر آفاقی بودنشان می‌چربد. در این حماسه‌ها توجه عمده شاعر به پدیده‌های مختلف از دیدگاه اعجاب و تحسین و تکریم و توصیف‌های عجیب و غریب و ذکر مواردی دال بر خرق عادت و اعمالی است که اغلب در همه این مقوله‌ها جلوه‌هایی از اغراق و کرامت و اعجاز در لباس هنر دیده می‌شود. (صور خیال شفعی کدکنی، ص ۱۸۱) به همین جهت است که ملاحظه می‌شود انتساب رویدادهای مختلف به قهرمانان داستان‌های خاوران‌نامه خصوصاً و گاه حمله راجی، عینی نیست و چنان صحنه‌هایی در تاریخ پیش نیامده و اساساً

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

چنان جنگ‌هایی رخ نداده است. باید در هنگام ملاحظه این آثار باید رویدادهای اسطوره‌ای را از پدیده‌های تاریخی جدا دانست؛ هرچند این دو با هم پیوندی کهن داشته‌اند. عمده مباحث این حماسه‌ها مربوط به جنگ‌های حضرت علی(ع) و یاران ایشان با دشمنان دین و مردم غیرمسلمان است که در خاوران‌نامه صورتی تمثیلی پیدا کرده و گاه جنبه‌های افسانه‌ای بر آن غلبه یافته است. این طرز خاص که با واقعیت و تاریخ ناسازگار است کاملاً جنبه ادبی و هنری محض دارد و بدیهی است که جلوه حماسی اثر وابسته به همین معنی است؛ یعنی دور شدن از وقایع تاریخی محض و زمان تاریخی. همچنین است وجود افراد ناشناخته و سرزمین‌های مجعول و ساختگی و همین صورت اثر ویژه است که شکل و بعد اسطوره‌ای اثر را تقویت می‌نماید. گفتنی است خاوران‌نامه اثری است حقیقی نه واقعی یعنی این که هنری است برتر از حقیقی برتر از واقعیت؛ حمله راجی حقیقی است همراه با واقعیت و حمله باذل واقعیتی است که در بیشتر آن تاریخی می‌نماید. تمام افراد حماسه‌های دینی در تاریخ ادب ایران از این سه نوع حماسه خارج نیستند.

#### و) قهرمانان آمیزه‌ای از شخصیت‌های عینی و اسطوره‌ای‌اند

در حماسه‌های ملی اشخاص غالباً ابرمردانی هستند که مظاهر قدرت، پهلوانی و فضیلت یا ضد فضیلت‌اند. در منظومه‌های دینی حمله حیدری راجی و باذل و خاوران‌نامه، شخصیت‌های اصلی پیامبر و حضرت علی (علیهما‌والسلام) هستند و اشخاص دیگر حول این دو محور تشخیص می‌یابند. از این رو اعمال خارق‌العاده بیشتر جنبه اعتقادی دارد و حاصل کرامات و فضایل آن حضرات در پیوند پروردگار است. یعنی مجموعه حوادث به نوعی بیان فضیلت و منقبت یا توصیف خصوصیات و حالات آنان است و جنبه‌های مبالغه‌آمیز نیز توجیه دینی و اعجازی دارد.

حماسه‌های دینی آمیزه‌ای از حماسه‌های تاریخی و اسطوره‌ای هستند. به این معنا که قهرمانان در حماسه‌های دینی، تاریخی و جایگاهشان روشن است اما رفتار و کردارشان یادآور قهرمانان حماسه‌های نمادین و اسطوره‌ای است. چنانکه گفتیم سه نوع حماسه داریم: حماسه اسطوره‌ای که در حماسه اسطوره‌ای قهرمانان نمادین هستند و جایگاهشان روشن نیست. دیگر حماسه تاریخی که در آن چهره قهرمان واقعی است و سوم حماسه دینی. از آنجا که در تقسیم‌بندی حماسی، حماسه دینی بین آن دو دسته فوق قرار می‌گیرد، بنابراین این نوع حماسه

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

آمیزه‌ای از حماسه راستین و اسطوره است. قهرمانان در این نوع حماسه حقیقی هستند و جایگاهشان روشن است اما رفتار و کردارشان یادآور قهرمانان حماسه نمادین اسطوره‌ای است. (کرازی: ۱۳۸۳، ص ۷)

می‌توان گفت یکی از جلوه‌های حماسی مهم این آثار به وجود شخصیت‌های برتری که به عنوان مظاهر اعلی و نموداری از کمالات انسانی مطرح می‌شود وابسته است. انسان‌هایی که اسوه عالم بشریت‌اند و معیار کمالات انسانی. مثلاً در باب حضرت علی (ع) در خاوران‌نامه چنین آمده:

بزد نعره‌ای حیدر تیزهوش	به چرخ بلند اندر افتاد جوش
برانگیخت دل‌دل سپهدار دین	ز نعلش بجنید ساحل زمین
ز خواب اندر آمد سر خفتگان	سراسیمه همچون ز خود رفتگان
علی گفت مرگ تو نام من است	بدین تیغ کاندر نیام من است
مشم شاه مردان و شیرخدای	به مردی عدد بندد کشورگشای

خاوران‌نامه/ص ۱۰۸

### ز) عنصر زمان و مکان

حماسه‌های ملی صورت تحول‌یافته و دگرگون شده‌ی اسطوره‌ها هستند و چون در اسطوره ابهام زمان و مکان یک اصل است بنابراین زمان و مکان حماسه‌هایی که منشأ گرفته از اسطوره هستند نیز نامشخص است اما زمان و مکان حماسه‌های تاریخی کاملاً شناخته شده‌اند. حماسه‌های دینی از آن جهت که شعبه‌ای از حماسه‌های تاریخی و از طرفی مابین حماسه‌های ملی و تاریخی محسوب می‌شوند گاه همچون حمله حیدری و راجی، تعلق به یک مقطع مسلم تاریخی و جغرافیایی دارند و گاه در بعضی خصوصاً در خاوران‌نامه به دلیل مایه گرفتن از حماسه‌ها و داستان‌های عیاری سخن از مکان‌هایی می‌رود که بیشتر جنبه تخیلی و داستانی دارد.

### ز) به کارگیری مفاهیم آیات و روایات و یا الفاظ آن‌ها

از آنجا که آبخشور حماسه‌های دینی نصوص دینی و مذهبی است و سراینده‌گان آنها نیز به متون و شخصیت‌های مذهبی و رفتار و گفتار آنان تعلق خاطر بس عظیم داشته‌اند و هم چنین به خوانندگان آثار خود به عنوان مخاطبین دین‌مدار و محب اهل بیت عنایت

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴



می‌ورزیده‌اند، بنابراین هر جا که سخن و بافت آن اجازه داده، به نقل روایت‌های اهل بیت (علیهم السلام) و آیات قرآنی به صورت عینی و ضمنی پرداخته‌اند:

ز بهر تو آن را شماری نهاد	حکیم این جهان کشتزاری نهاد
بکش رنج و امروز تخمی بکار	گرت خرمنی هست فردا به کار
درختی برآور که زیبای توست	زمین مزرع سبز فردای توست

خاوران‌نامه/ص ۲۹

پراوازه گردید کون و مکان	خروش از زمین رفت بر آسمان
عیان گشت آثار «قالوا بلی»	که یار نبی شد علیّ علا

راجی/ص ۱۰۳

### ج) برخورداری از قابلیت نمایش

برخورداری از زبان روایی حماسه‌های دینی از سویی و علاقه هنرمندان تقال و حکایتگران مذهبی به نقل روایات بزرگان دینی از سوی دیگر باعث شد که پس از گذشت زمانی کوتاه حماسه‌های دینی به صورت‌های مختلف در محافل و مناسبت‌های مختلف به نمایش درآیند و به اشکالی نظیر تعزیه‌خوانی یا نقالی‌گری برای عموم شیعیان دلداده ارایه شوند.

یادآوری این نکته ضروری است که تنها متنی به اصطلاح نمایش است که به سادگی بتواند به بیان تئاتری ترجمه و تبدیل شود و به صورت نمایش درآید. چنین متنی باید از حسّ و حرکت و حال و هوای نمایش برخوردار باشد. داستان را از آغاز تا میان و از میان تا پایان پیش برد؛ حال و هوای نمایش را داشته باشد و در آن زمان و مکان مفهوم داشته باشد. در حماسه‌های دینی نظیر اثر باذل و راجی و ابن‌حسام خوشفی، صرف‌نظر از برخی توصیفات طولانی و تکراری و کشدار که با نمایشی بودن در تضاد است، ویژگی‌هایی که باعث می‌شود یک اثر، قابلیت نمایش پیدا کند وجود دارد. البته برتری‌های ادبی - نمایشی حمله حیدری راجی نسبت به اثر باذل و ابن‌حسام غیرقابل انکار است؛ چرا که او در مقایسه با باذل و ابن‌حسام از طبعی روان‌تر، سلاست کلامی بیشتر و طریق نمایشی‌نویسی کارآمدتری برخوردار

است. شعر او ساده‌تر، روان‌تر و گویاتر و لذا برای نمایش مناسب‌تر از شعر دیگران به نظر می‌آید.

ضمن اینکه در این حماسه‌ها درونمایه‌های نمایشنامه‌ای به وفور یافت می‌شود. مثلاً شرح خواستگاری حضرت علی (ع) از حضرت فاطمه (س) در حمله راجی و باذل از درونمایه‌هایی است که توجه بسیاری از علاقه‌مندان نمایش‌خوانی و نقالی را به خود جلب کرده است.

#### ط) درون‌گرایی همگام با برون‌گرایی

پیوندگونه حماسه، غنا و عرفان در اشعار سراینندگان حماسه سرای دینی، افزون بر آبخورهای شعر فارسی می‌تواند جنبه دیگری نیز داشته باشد. بنا بر آنچه از ظواهر امر برمی‌آید آدمی زودتر از آنکه به وصف حوادث خارجی و اجتماعی پردازد خود را با سروده‌های مذهبی یا عشقی که بیشتر جنبه غنایی دارد، می‌پردازد. حماسه‌سرایان دینی اگرچه در بیان حوادث تاریخی منظوم خود، ناگزیر از پرداختن به حوادث عینی و رویکرد برون‌گرایانه هستند و از این جهت به مضمون و زبان حماسه نزدیک می‌شوند اما توجه به مضامین و اندیشه‌های خداپورانه و عرفان‌گرایانه را که در پی بیان و بروز آن هستند و از این جهت در حیطه مکتب درون‌گرایی قدم می‌گذارند را هرگز از پیش چشم خود دور نمی‌کنند.

#### ی) درون‌مایه‌های معمول حماسه‌های دینی

در حماسه‌های دینی مضامین و درون‌مایه‌های مشترک فراوانی یافت می‌شود که از پربسامدترین آنها می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

##### ۱- خواب و رؤیای صادقانه

یکی از نموده‌های اعتقاد شاعران حماسه‌سرای دینی به رؤیای صادقانه روشن بودن ارتباط روحانی حضرت علی (ع) با پیامبر (ص) در خواب است. هرگاه گره و ابهامی در کارزار پیش می‌آید پیامبر خدا طریق گشایش و رفع آن را در خواب بر علی (ع) می‌نمایاند. در خاوران‌نامه علی (ع) پیامبر را بارها در خواب می‌بیند و این خواب‌ها به صورت یک روند نسبتاً منظم، خواننده را به وجود و الزام خود عادت می‌دهند. همه این خواب‌ها به نحوی بسیار طبیعی، حقیقی و مثبت اتفاق می‌افتد و اکثر آنها در پی ایجاد یک گره کور جنگی، گم شدن یکی از سرداران اسلام و یا طولانی شدن جریان مبارزه رخ می‌دهد. از این میان می‌توان به یکی از خواب‌های پرمعنا و شگفت‌انگیز که ابن‌حسام آن را نقل می‌کند، پرداخت. در شبی که حضرت

❏ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

علی (ع) در آن روز مصافی سخت طولانی و بی‌نتیجه را پشت سر گذاشته اما نتوانسته بر حریف خود غالب شود چنین می‌بیند:

سحرگه زمانی فروشد به خواب      بیاسود تا شعله زد آفتاب  
به خواب اندرون مصطفی را بدید      به شب آفتاب صفا را بدید

خاوران نامه/ص ۹۸

پس از آن حضرت علی (ع) از علت ناکامی در جنگ می‌پرسد و حضرت رسول (ص) در قالب سخنانی او را دل‌داری می‌دهد:

بر او گر نشد تیغ تو کارگر      هنوزش زمانه نیامد به سر  
مخور غم دل خویش را شاد کن      روان را ز بنسب غم آزاد کن  
که فرجام کار تو پیروزی است      ز پیروزیست روز به‌روزی است

خاوران نامه/ص ۹۹

## ۲- تکبیر

سر دادن ندای «الله اکبر» پس از پیروزی سپاه اسلام یکی از ویژگی‌های محتوایی حماسه‌های دینی است که در حماسه‌های ملی دیده نمی‌شود. برای مثال در حمله راجی پس از پیروزی پیامبر در جنگ بدر دو تن از عموهای ایشان عباس و عقیل به دین اسلام آمدند و مسلمانان از شادی پیروزی تکبیر گفتند:

ز هر گوشه‌ای بانک تکبیر خواست      که زین کار شد پشت اسلام راست  
که عم تبار رسول خدای      سوی زین بدین گونه پیمود رای

حمله راجی/ص ۲۵۳

باذل نیز در ترسیم جنگ مویه هنگام حمله رومیان، صدای الله‌اکبر را در میان نبرد طنین‌انداز می‌کند:

جلو داده اسبان رهوار را      علم کرده شمشیر خونبار را  
شتابان چو بر روی آتش سپند      صداهای تکبیر کرده بلند

حمله باذل/ج ۲/ص ۱۰۵

۳- دعوت به دین

یکی از موتیف‌های خاص حماسه‌های دینی، با توجه به تعالیم دین اسلام هنگام جنگ با دشمن و جاری ساختن هدف از جنگ که همانا هدایت کفار دانسته شده، دعوت به دینداری و راه راست پیشه کردن در ابتدای نبرد است. چنانکه به ترسیم حمله باذل، حضرت علی (ع) قبل از نبرد با عمرو او را به اسلام دعوت می‌فرماید:

شه دین بگفتا که خواهم نخست      به دین اندر آیی کمر بسته چست  
شناسی کسی را که کردت پدید      به تن جان به بازوت زور آفرید

حمله بازل/ج ۱/ص ۷۴

۴- رجزخوانی

از دیگر مضمون‌های رایج در حماسه‌های دینی و غیر آن، رجزخواندن قهرمانان و دشمنان آنها در میدان مبارزه است. که معمولاً در تمام انواع، رجز همواره با عنصر «اغراق» همراه است و نمود آن غالباً در جنگ‌های تن به تن است. برای مثال «مرحب» در حمله باذل ابتدای جنگ چنین می‌خواند:

هم آورد خود را چو مرحب بدید      رجز خواندن آغاز و سر برکشید  
منم گفت مرحب بزرگ گروه      که داند مرا خیبر و پشت و کوه  
هژیر پلنگ اژدها و نهنگ      مرا می‌شناسد در دشت و کوه  
بگردد ز مرحم سپهر برین      طپد زیر تیغم چو بسمل زمین  
مرا در جهان کس همورد نیست      اگر هست آمد بیینم که کیست

حمله بازل/ج ۱/ص ۱۵۳

۵- اهمیت نام و نام پوشی

در تمام انواع حماسه اعم از ملی، تاریخی و دینی پهلوان معمولاً نام خود را به دشمن نمی‌گوید. چنانکه رستم اسم خود را به سهراب نگفت. از آنجا که حماسه‌های دینی از حماسه‌های ملی اثر پذیرفته‌اند این بن‌مایه نیز در آنها راه یافته است. به عنوان مثال هنگامی که یکی از سپاهیان روم در جنگ موته نام جعفر طبار را از او می‌پرسد، جعفر نام خود را از او پنهان می‌کند:

❏ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

نخستین پرسید نام تو چیست      تو را خویش و پیوند از اعراب کیست؟  
چنین داد پاسخ که نام و نشان      چه پرسى که بر تو سرآمد زمان؟

حمله راجی/ص ۲۲۴

در حمله باذل و خاوران‌نامه، نام‌پوشی به نحوی که در حمله راجی بازتاب یافته، نمود ندارد اما نام پهلوانان برای یکدیگر مهم است و قبل از نبرد از نام و نشان یکدیگر می‌پرسند. مثلاً هنگامی که عتبه و ولید و شیبه به میدان نبرد آمدند و هم‌آورد طلبیدند پیامبر سه تن از انصار را که از نبرد آگاه بودند به رزم آنها فرستاد. عتبه اول اسم آنان را پرسید و پس از آگاهی از اسم و رسم آنان از جنگیدن صرف‌نظر کرد:

از آن هر سه تن عتبه نامور      ز نام و نسب جست اول خیر  
بگفتند انصار دینیم ما      ز مردان یثرب زمینیم ما

حمله باذل/ج ۱/ص ۵۰

#### ۶- جنگ تن به تن

از دیگر مضامین متداول در حماسه‌ها، رخداد برخی جنگ‌ها بین پهلوانان به صورت تن به تن می‌باشد که این حالت معمولاً در آخر مبارزه پیش می‌آید. در این نوع نبردها غالباً از سلاح‌هایی نظیر شمشیر، خنجر و خشت استفاده می‌شود. پهلوانان در نهایت از مرکب پیاده شده و کشتی می‌گیرند. در دو حمله راجی و باذل پهلوانان سپاه اسلام و کفر قبل از آغاز نبرد به جنگ تن به تن با یکدیگر می‌پردازند که در ضمن این عمل بسیاری از ویژگی‌های محتوایی دیگر نظیر مفاخر، رجز، ترس و بیم، دلاوری، تدبیر، چاره‌اندیشی و... آشکار می‌شود. نمونه این درون‌مایه جنگ تن به تنی است که بین عبیده و شیبه رخ می‌دهد:

چو شیران جنگی به هم تاختند      به هم تیغ و گرز و سنان آختند  
کشیدند بر یکدیگر تیغ تیز      نه این را شکست و نه این را گریز  
ز بس طعنه زد آن بر این این بر آن      بفرسود شمشیر و گرز گران  
گهی این به سر برکشیدی سپر      گهی آن زدی تیغ تیزش به سر

حمله راجی/ص ۵۸

۷- خرق عادت

یکی دیگر از شرایط اطلاق حماسه جریان یافتن حوادثی است که با منطق علمی و تجربی سازگاری ندارد. اما این رویدادهای غیرطبیعی و بیرون از نظام عادت در حماسه‌هایی که پهلوانان آن از میان بزرگان دینی و معنوی هستند در بستر اعجاز و کرامت به راحتی انجام می‌گیرد. چراکه هر عملی که خارج از نظام قاعده‌مندی جهان انجام گیرد، از رهگذر عقاید فرامادی گرایانه مسلمانان قابل توجیه است. به عنوان مثال هنگامی که سپاهیان رسول خدا (ص) به خیبر رسیدند راهی برای ورود نیافتند پس رسول خدا سر نیزه خود را به کوه خارا نهاد و کوه به رسول خدا راه داد تا از آنجا گذشته به خیبر رسیدند:

سر نیزه بر کوه خارا نهاد      سر کوه بر پای او افتاد  
سر نیزه‌اش چون دل کوه سفت      دل کوه خارا چو گل برشگفت  
بر آن کوه خارا دهی باز شد      کزان و جهان پر ز آواز شد

حمله راجی / ص ۱۴۶

۸- شهادت

یکی دیگر از ویژگی‌های مختص و برجسته حماسه‌های دینی جلوه زیبای مرگ سرافرازانه سپاهیان حق و پهلوانان جبهه اسلام در میدان مبارزه است. بسیاری از شخصیت‌ها مثل قاسم، امام حسین (ع)، عبیده، زید و... به شهادت می‌رسند و شاعر را کمک می‌کنند تا به این مناسبت به سرایش ابیاتی دربارهٔ فضیلت مرگ سرخ و عزت و جان‌بازی در راه معبود بپردازد.

بود در ره دوست سرباختن      به از سر ز تن‌ها جدا ساختن  
به خون در کشیدن تن خویشتن      بسی به که پوشی به تن را کفن

حمله راجی / ص ۱۴۸

در واقع اگر در حماسه‌های ملی کشته‌شدن در راه آرمان‌های میهن‌پرستانه و پهلوانان‌منشانه موجب افتخار و سربلندی به حساب می‌آمد، در حماسه‌های دینی این خشنود ساختن دوست و کشته‌شدن در راه اعتلای اهداف دین است که افتخار‌آفرین تلقی می‌شود.

۹- حضور ملائکه

از دیگر مضامین رایج در حماسه‌های دینی خصوصاً در آثار باذل و راجی حضور فرشتگان و اثر و درک حضور و مدد نیروهای غیبی و متافیزیکی آنان است که از جانب حق

❏ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

برای کمک رساندن به سپاه اسلام نازل می‌شوند. در غزوه احد هنگامی که مشرکین کار جنگ را بر رسول خدا سخت کردند، گروه ملائکه فوج فوج از آسمان به یاری مسلمانان شتافتند:

ز درگاه حق اذن درخواستند      به خفتان و جوشن تن آراستند  
رسیدند از آسمان بر زمین      به یاری و امداد دارای دین  
خروشان و جوشان چو دریای موج      رسیدند از آسمان فوج فوج

حمله راجی/ص ۱۲۹

## ۲- ویژگی‌های زبانی و صوری

### الف) سادگی و سهولت بیان

منظومه‌های دینی هدفی تبلیغی دارند و برای عامه مردم نوشته می‌شوند. از این رو زبان آنها غالباً ساده است و سراینده با این که از مضمون‌های اعتقادی از جمله آیات و روایات بهره می‌گیرد هم نحوه بیان و هم موضوع‌های انتخابی او ساده و مورد علاقه مردم است. از این رو در دریافت و درک آن مشکلی نیست. زبان و بیان حمله حیدری راجی و باذل و نیز خاوران‌نامه استوار، پخته و روان است و سراینده‌گان در محورهای عمودی و افقی غالباً دچار تنگنا و تکلف در وزن و قافیه و تعبیر نشده‌اند و بیت‌های سست و ناپخته کمتر در آنها دیده می‌شود.

### ب) اثرپذیری زبانی از زبان حماسه فردوسی

چنانکه می‌دانیم یکی از مهم‌ترین حماسه‌های بشر در عالم شاهنامه است که خود به دلیل تقدم زمانی موجب خلق آثار دیگری از همان نوع شده. به عبارت دیگر این اثر مهم موجب پیدا شدن یک نهضت مهم ادبی در ایران گردید و آن خلق آثار حماسی دیگر بود. حماسه‌سرایانی که با نظر به شاهنامه و متون تاریخی و دینی به سرایش منظومه‌های حماسی دینی پرداختند همواره تحت تأثیر همه‌جانبه این اثر سترگ قرار گرفته‌اند. این تأثیر تا حدی است که حتی دامنه انتخاب واژگان و نحو کلام را نیز شامل می‌شود؛ هرچند اختلاف زمان خلق آنها چند قرن بوده است.

توجه به زبان فردوسی به عنوان زبان پیش‌فرض از سوی شاعرانی نظیر باذل، راجی و ابن‌حسام تا جایی است که گاه این شاعران نسبت به زمان نظم اثر دچار باستان‌گرایی و انحراف از سبک عمومی دوره خویش شده‌اند. کاربرد «مر» پیش از متمم، دو حرف اضافه برای

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

یک متمم، «کجا» به معنی «که» و موارد متعدد از قرار دادن «کهن» و «سخن» در محل قافیه به منزله‌ی مثنوی از خروار این اضطراب سبکی است. ابن‌حسام در ابتدای منظومه‌ی خود چنین می‌گوید:

بهارى چو باغ ارم تازه روى	چو فردوس فردوسى از رنگ و بوى
چو فردوسى آمد در اين بوستان	بهشتى بهشت از پى دوستان
اگر توسى از شاهنامه سخن	به آرامش رستم افکند بن
ولى نامه من به نام على است	مى صافى من ز جام على است

خاوران نامه/ص ۳

کلماتی نظیر «زین پلنگ»، «فتراک»، «هژیر» و... که از حوزه‌ی واژگان فردوسی انتخاب شده‌اند، در این حماسه‌ها کم به چشم نمی‌خورند:

کمر بست و پوشید خفتان جنگ	چو شیر اندر آمد به زین پلنگ
---------------------------	-----------------------------

خاوراننامه/ص ۱۱۲

بیست آن دلاور هژیر ژیان	بدان خنجر آسمانی میان
-------------------------	-----------------------

خاوران نامه/ص ۷۹

با این تفاوت که در این نوع حماسه‌ها گاه ترکیب واژگان ملی و مذهبی، دستاوردهای نو در حوزه واژگان به بار آورده است. ترکیب‌هایی چون «خفتان پیغمبری» را می‌توان از آن دسته دانست:

به بر کرده خفتان پیغمبری	نهاده به سر مغفر حیدری
--------------------------	------------------------

حمله راجی/ص ۲۰۴

### ج) وزن

همه حماسه‌ها چه اسطوره‌ای، چه تاریخی و چه دینی در بحر فعولن فعولن فعولن فعل «متقارب» سروده شده‌اند. اما با این حال برخی از حماسه‌ها به خصوص حماسه‌های دینی در وزن‌های دیگر نیز سروده شده‌اند. پاره‌ای سخنوران از هنجار اصلی حماسه دور شده و حماسه‌هایی در بحر هزج سروده‌اند که البته تعداد آنها بسیار کم است. سه حماسه‌ی باذل، راجی و ابن‌حسام در بحر متقارب سروده شده‌اند.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴



د) حوزه واژگان این منظومه‌ها به عنوان مهم‌ترین عنصر تداعی‌کننده فضای حماسه یکی از مهم‌ترین راه‌های بازشناخت ویژگی‌های سبکی حماسه‌ها بررسی بسامدی نوع واژگان آنهاست؛ اینکه دایره معانی ضمنی این واژه‌ها خواننده را تا چه حد در فضای حماسی و میدان جنگ و نبرد قرار می‌دهد. حماسه‌های دینی نظیر حمله باذل و راجی و منظومه ابن‌حسام از این جهت از غنای کافی برخوردارند. واژگان این منظومه غالباً دلالت بر مدلول‌های عینی و حسّی دارند و از دامنه خاص معنایی حماسه انتخاب شده‌اند. این شاعران در انتخاب حوزه واژگان غالباً از حماسه‌سرای بزرگ، فردوسی، اثر پذیرفته‌اند. کلماتی نظیر سپنج، سپهر، درفش، گرز، خفتان، جوشن، غلغل، پلنگ، شهنشاه و... هر یک با کوله‌باری از معنای ثانویه به معنای نهایی‌ای که شاعر در پی ایجاد آن در ذهن خواننده است کمک می‌کنند.

#### ه) تأثیر عنصر نغمه حروف و ملازمت لفظ و معنی

در بسیاری از صحنه‌هایی که جلوه حماسی، فضای رزم و بزم را به ظهور می‌نشانند، شاعر به اقتضای حال و مقام به کلمات روح می‌بخشد تا هر کلمه‌ای گویای مفهومی باشد که با فضای حماسه همخوان گردد. در این میان جلوه‌های لسانی و بیانی و آفرینش زبانی مطرح می‌شود. زبان و طرز بیان سراینده‌گان حماسه‌های دینی هوشیارتر شده و موسیقی کلام آنان هم‌نوا چک‌چک نیزه‌ها و تیغ تیز و شمشیرها می‌تواند تداعی‌کننده برخوردهای حماسی و لحظه‌های پر تب و تاب جنگ و نزاع مرگ در زندگی باشد. از این رو عنصر نغمه حروف و ملازمت لفظ و معنا به مدد این شاعران آمده تا بتوانند با استادکاری خود از خاصیت اصوات و حروف و نیروی کلمه و کلام و نیز از جادوی هجا و لفظ در بیان استفاده کنند و در لباس لفظ و طرز بیان، غوغای جنگ برپا کنند.

بماید و بگشاد تیر و خدنگ

بگفت این و چاچی کمان را به جنگ

به روی ان‌سدر آورد حییدر سپر

عقاب سه پر چون بگسترد پر

خلل بر رخ ماه ان‌سور نشست

چو مرغ سه پر بر سپر بر نشست

خاوران‌نامه/ص ۱۱۸

ز هر گوشه‌ای نغمه‌ای گشت راست

نو آیین نوایی ز هر گوشه خاست

خاوران‌نامه/ص ۷۰

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

## ۳- ویژگی‌های ادبی و تصویری

در حماسه‌های دینی نیز مانند دیگر حماسه‌ها و آثار ادبی آنچه متن را از روایت صرف و نقل تاریخ صرف جدا می‌کند و در قلمرو آثار ادبی قرار می‌دهد، زیبایی آفرینی و هنرمندی‌هایی است که شاعر از تاریخ و روایت‌های تاریخی به عنوان ظرف بروز آنها می‌آفریند. گرچه انواع و شیوه‌های به کارگیری این هنرهای ادبی در خلق تصاویر در حماسه‌های ادبی فراوان است و وسعت فراوانی می‌طلبد، لیکن سعی کردیم در این مقال به پرکاربردترین و مهم‌ترین آنها در ایجاد تصاویر هنرمندانه ادبی و نیز آن عناصری که مختص به حماسه‌های دینی است و ویژگی آن به حساب می‌آید، پردازیم:

### الف) آرایه‌های ادبی

#### ۱- اغراق و مبالغه

عنصر اغراق از عناصر محوری و پایه‌ای تمام حماسه‌های ایرانی محسوب می‌شود. این عنصر در حماسه‌های دینی اگرچه گاه کاملاً تقلیدی است فراوان به چشم می‌خورد:

چو آمد بدان دشتگاه نبرد      فلک قیرگون دید از تیر گرد

حمله باذل/ج ۲/ص ۱۰۱

راجی در وصف رسیدن لشکر کفار به خندق چنین می‌گوید:

ز بس خاک ز ایشان بر افلاک بود      زمین آسمان، آسمان خاک بود

حمله راجی/ص ۴۹

ز بانک دلیران و گرد سپاه      نهان گشت در خاک خورشید و ماه

حمله راجی/ص ۱۷۹

#### ۲- وصف

از آنجا که ترسیم حوادث و رخداد‌های میدان نبرد جزء جدایی‌ناپذیر حماسه به شمار می‌آید توصیف دقیق، صریح و همراه با تصویرسازی‌های هنرمندانه می‌تواند به آفرینش زیبایی خاص حماسه بیانجامد. وصف شب و روز، پهلوانان، حالات آنان، جنگ و رزم پهلوانانه و... موضوع بسیاری از توصیف‌های رایج در حماسه‌های دینی است. به عنوان مثال باذل در توصیف حضرت علی (ع) چنین می‌سراید:

❏ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

همه اهل یثرب به سالار دین      علی دست و بازوی جان‌آفرین  
شدند انجمن یکسره مرد و زن      به فرمان آن صفشکن رایزن

حمله باذل/ج ۲/ص ۷۶

### ۳- استعاره و تشبیه

درباره جایگاه استعاره در حماسه دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. برخی منتقدان معتقدند حماسه جای استعاره و حتی در مواردی تشبیه نیست (شفیعی: ۱۳۵۸، ۳۸۴) اما دیدگاه دیگری استعاره را مهم‌ترین عامل در ایجاد سطح ادبی و حماسه می‌داند. (شمیسا: ۱۳۷۰، ص ۱۲۷) آنچه روشن است اینکه استعاره به عنوان یکی از فنون تصویرآفرین ادبی برای متون حماسی از جمله نوع دینی آن، پذیرفته و کاربرد یافته است، لیکن شاعران در حماسه‌های اصیل با استعاره‌های پیچیده و غامض ذهن خواننده را از اتفاقات مهم ادبی، تاریخی و هنری باز نداشته و منحرف نکرده‌اند. چراکه در حماسه، حیات و حرکت رکن اصلی تصویرآفرینی است و هر عاملی که حرکت را دستخوش سکون نماید خواه عنصر عقلی و ذهنی باشد و خواه استعاره‌های پیچیده، با ماهیت و غرض حماسه هماهنگ نیست. غالب استعاره‌هایی که در حمله حیدری و راجی و نیز خاوران‌نامه به کار رفته‌اند گذرا، ساده و سهل‌الوصول و در بسیاری اوقات تکراری هستند.

هزیران به پشت پلنگ آمدند      نهنگان به چرم پلنگ آمدند

حمله باذل/ج ۲/ص ۳۹

راجی در توصیف صحنه ورود قاسم (ع) به میدان نبرد روز عاشورا چنین می‌گوید:  
چو دل‌داده آوازش آمد به گوش      زد دل زد خروش و به لب شد خموش  
رها کرد از دست خندان عنان      فکند از کف خویش گریان سنان  
نهان کرد شمشیر کین در غلاف      فراموش او گشت رزم و مصاف

حمله راجی/۲۲۵

تشبیه نیز از عناصری است که هر چند در حماسه به کار می‌رود اما در مقایسه با عناصری مانند اغراق، مبالغه و وصف که رکن اساسی تصویرسازی حماسی را تشکیل می‌دهند، جلوه‌ای کم‌رنگ‌تر دارد. (شفیعی کدکنی: ۱۳۵۸، ۳۸۰). با این وجود برخی منتقدان دیگر اهمیت و نقش تشبیه در حماسه را بیش از استعاره می‌دانند (قبادی: ۱۳۸۶، ص ۱۰۰). به هر

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

حال تشبیهاتی که در حماسه‌های دینی به کار رفته‌اند چنانکه در خور حال و هوای حماسه است گذرا و سریع و فارغ از نیاز به تعمق به کار برده شده‌اند

چنین داد جنگی به بانو جواب	رخ از آب دیده ورا چون سحاب
تو تا زنده بودی ای پلتن	نهنگ بلا بودی و صفشکن
دلیری که بد نامش ابن‌خلف	خروشید چون شیر و آمد به صف

حمله باذل/ج ۱/۱۸۴

ز خاک آورد نقش سیمین بری	نگارد ز گل نقش مه پیکری
کجا سرو را نرگس می‌پرست	کجا ماه را چشم جادوی مست

حمله راجی/ص ۳۱۶

#### ۴- ضرب‌المثل

راجی و باذل گاه خصوصاً برای بیان اندرز و حکمت‌هایی که به پیروی از حکیم طوس در بین کلام خود می‌آورند، جهت اثرگذاری بیشتر از ضرب‌المثل بهره می‌جویند:

چنین گفست فرزانه هوشمند	که دانا نگوید سخن ناپسند
سخن نیک باشد ز فرزاندگی	نه از تیزی و رزم و مردانگی
از این رنج ما باد ماند به مشت	برآید اگر روزگار درشت

حمله باذل/ج ۱/ص ۶۷

#### ب) وجود برخی عناصر و تصاویر ذهنی در کنار عناصر و تصاویر عینی

اگرچه ماهیت حماسه این است که در بیان رخدادها و ایجاد تصاویر به حوادث عینی پردازد و از نظر بیان و توصیف رویکردی برون‌گرایانه داشته باشد، اما در حماسه‌های دینی موجود، به دلیل نگاه انفسی همراه با آفاقی و چشم‌انداز آن جهانی، گهگاه مضمون و حوزه واژگانی زبان شعر آنها تغییر می‌کند و به مکتب درون‌گرایی نزدیک می‌شود و از واژگان و ترکیبات نامحسوس و عقلی بهره می‌جوید. از همین جاست که حمله راجی و باذل از شاهنامه

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

فاصله می‌گیرند چرا که در حماسه چنانکه گفتیم، تصاویر باید قاطع و مشخص باشند و بدین جهت مادی بودن اجزای تصویر امری است که مورد ملاحظه قرار می‌گیرد؛ حتی معانی انتزاعی و تجرید باید در قالب امور مادی عرضه شود (شفیعی کدکنی: ۱۳۵۸، ص ۱۹۸)

در حمله حیدری و راجی و نیز خاوران‌نامه عناصری از تصویر دیده می‌شود که جزئی از آن را جنبه انتزاعی و تجریدی تشکیل می‌دهد:

چنین گفست دانای راز نهفت      به رندان در اسرار سفت  
در او نقش بیم و امید آورم      در او صورت خود پدید آورم

حمله راجی/ص ۲۷۹

### ج) ساقی‌نامه‌ها و وجود رگه‌هایی از سبک و مضامین مکتب عراقی در آنها

باذل و راجی تحت تأثیر شاعران غزل‌سرا و عرفای قبل از خود، در ابتدای داستان‌ها و قبل از شرح وقایع و حتی گاه بین آنها به سرایش ابیاتی غنایی با مضامین عاشقانه و عارفانه پرداخته‌اند که این ابیات به ساقی‌نامه شهرت پیدا کرده‌اند. وجود چنین ساقی‌نامه‌هایی را می‌توان از ویژگی‌های بارز حماسه‌های این شاعران دانست.

به آن نام‌ای ساقی سیم بر      بی‌آب زر ریز در جام زر  
دهی گر به آن نام صهبا به من      به زینه جام ای بت سیم تن  
فرازم کله گوشه بر مهر و ماه      چو سیمین غداران زرین کلاه  
مغنی ز نظم نوایی نواز      به صورت عراق و نوای حجاز

حمله راجی/ص ۱۷۷

به دلیل باورمندی عمیق این شاعران به مبانی و اصول مذهب و عرفان، نگاه ویژه عارفانه آنان و نیز در ذهن داشتن پیشینه ذهنی و ضمنی از مکتب عراقی و شیوه سخن‌پردازی غزل‌سرایان و عرفای صاحب سخن این سبک، در حین مطالعه حماسه‌های دینی ملاحظه می‌شود که برخی مضامین، ترکیبات و ایماژهای مکتب عراقی در شعر آنان بخصوص در ساقی‌نامه‌ها راه یافته است. وجود این انگاره‌ها و ایماژهای ناهمخوان که به سبک عراقی تعلق دارد نشان می‌دهد که شاعر حماسه‌سرای دینی تا چه اندازه به زبان غنایی عرفای قبل از خود نزدیک شده. به عنوان مثال نظر خواننده را به انگاره «آب آتشین» در این ابیات زیر از راجی جلب می‌کنیم:

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

از آن جام من را می نساب ده      از آن می مرا آتشین آب ده  
حمله راجی/ص ۱۲۶

چو گردید باد صبا مشک بیز      نجا کم تو آن آتشین آب ریز  
حمله راجی/ص ۲۳۱

کتاب حمله راجی گاه لحن سخن‌پردازی حافظ را به یاد می‌آورد. لحنی که از نظر نحوی حماسی و از نظر محتوا و حوزه واژگانی عارفانه است:

ندانم چه در جام ما ریختند      چه صاف اندرین دردی آمیختند  
بده ساقی آن آتش تابناک      که تاکش پدید آمد از آب و خاک  
حمله راجی/ص ۲۳۹

در جای دیگر:  
که سرمست در کوی میخانه دوش      چنین گفت با می کش می فروش  
دلی کسان خراب از می نساب نیست      مگو دل که غیر از گل و آب نیست  
حمله راجی/ص ۱۶۹

## نتیجه

- ۱- در بررسی سبکی یک اثر ادبی، به شیوه‌های بیان مفاهیم و ذهنیات شاعر در قالب الفاظ و تعبیرات و مختصات اثر در مقایسه با دیگر آثار پرداخته می‌شود.
- ۲- حماسه، روایت ادیبانه عمل فوق‌العاده قهرمانان در جستجوی آرمانی سترگ در ظرف سبکی فخیم است که ساختاری نمادین، پرابهام و سراسر رمز و راز دارد و با باورهای اسطوره‌ای در آن همراه است. تقسیم‌بندی‌های متنوعی از انواع حماسه رایج شده که بر طبق رایج‌ترین آن، حماسه‌های ملی - اساطیری، حماسه‌های تاریخی و حماسه‌های دینی قابل ذکرند.
- ۳- حماسه‌های دینی را در واقع می‌توان نوعی از حماسه‌های تاریخی به حساب آورد با این تفاوت که موضوع آن وصف دلاوری‌ها و رشادت‌های قهرمانان دینی و مذهبی است. تعداد این منظومه‌ها در ادب پارسی زیاد است و دامنه تاریخی سرایش آنها از قرن پنجم هجری

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴

تا زمان معاصر را شامل می‌شود. حمله حیدری باذل، حمله حیدری راجی، خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی از جمله معروف‌ترین این حماسه‌ها شناخته شده‌اند.

۴- بازتاب صریح اعتقادات مذهبی، و فور اندیشه‌های حکمت‌آمیز، اشاره به آیات و روایات، نگاه اسطوره‌ای به قهرمانان و پرداختن به کرامات و بزرگواری‌های شخصیت آنان، سرشار بودن آنها از درون‌مایه‌هایی نظیر خواب و رؤیای صادقه، خرق‌عادت، شهادت، حضور ملائکه، نیروهای غیبی و... از مهم‌ترین ویژگی‌های معنایی و محتوایی حماسه‌های دینی است.

۵- سادگی کلمات و تعبیرات، اثرپذیری از کلام و نحو شاهنامه فردوسی، سروده شدن وزن بحر متقارب، بهره‌گیری از حوزه واژگان فخیم و حماسی و تناسب نغمات حروف و هجاها در تداعی فضای حماسه خصوصیات زبانی این‌گونه منظومه‌ها است.

۶- مهم‌ترین آرایه‌های به کار رفته در این منظومه‌ها مانند دیگر متون حماسی اغراق، مبالغ و وصف می‌باشد. پرداختن به عناصر و تصاویر ذهنی در کنار عناصر و تصاویر عینی و آوردن اشعاری با مضامین عرفانی به روش مکتب عراقی برخلاف حماسه‌های ملی از جمله مختصات ادبی و تصویری حماسه‌های دینی می‌باشد.


## منابع و مآخذ

- ۱- ابن حسام خوسفی بیرجندی. **خاوران‌نامه؛ نگاره‌ها و تذهیب‌ها از فرهاد نقاش**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۲- ابن حسام خوسفی. **تازیان‌نامه پارسی**. خلاصه خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی. تصحیح حمیداله مرادی؛ چاپ اول؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.
- ۳- ایرانمنش، مهین. **بررسی ویژگی‌های محتوایی حماسی کتاب حمله حیدری ملابمانعلی راجی کرمانی**. استاد راهنما یحیی طالبیان؛ دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۰.
- ۴- بهار، محمدتقی. **سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی**. جلد اول، چاپ سوم؛ تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۸.
- ۵- حسونی، فرخ لقا. **بررسی توصیف و جنبه‌های حماسی در حمله حیدری و راجی و مقایسه با حمله باذل**. استاد راهنما تقی وحیدیان کامیار، مشهد، ۱۳۸۷.

- ۶- دبیرنژاد، بدیع‌الله. «افتخارنامه‌های حیدری معرفی حماسه‌های دینی ایران». کتاب ماه هنر، شماره ۳۱ و ۳۲، ۱۳۸۰.
- ۷- رزمجو، حسین. **قلمرو ادبیات حماسی ایران**. جلد اول؛ تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ مشهد: سخن‌گستر، ۱۳۸۱.
- ۸- سمیعی گیلانی، احمد. «**مبانی سبک‌شناسی**». ادب پژوهی، شماره دوم، ۱۳۸۶.
- ۹- شفیعی کدکنی، محمدرضا. **صور خیال در شعر فارسی**. تهران: آگاه، ۱۳۵۸.
- ۱۰- شفیعی کدکنی، محمدرضا. «**حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم**». مشهد، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۹.
- ۱۱- شمیسا، سیروس. **انواع ادبی**. تهران: باغ آینه، ۱۳۷۰.
- ۱۲- شمیسا، سیروس. **کلیات سبک‌شناسی**. ویرایش دوم؛ تهران: میترا، ۱۳۸۶.
- ۱۳- صفا، ذبیح‌الله. **حماسه‌سرایی در ایران**. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۱۴- عبادیان، محمود. **درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات**. چاپ دوم؛ تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور، ۱۳۷۲.
- ۱۵- غیاثی، محمدتقی. **درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری**. چاپ اول؛ تهران: شعله اندیشه، ۱۳۶۸.
- ۱۶- فضیلت، محمود. «**سبک‌شناسی حمله حیدری ملابمانعلی راجی کرمانی**». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران؛ زمستان، شماره ۱۵۶، ۱۳۷۹.
- ۱۷- قبادی، حسینعلی؛ بیرانوندی، محمد. **آیین آیین**. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دفتر نشر آثار علمی، ۱۳۸۶.
- ۱۸- کاشفی خوانساری، علی. «**حماسه دینی در ادب فارسی**». مجله موعود، شماره ۲۱ و ۲۳، ۱۳۷۹.
- ۱۹- کاشفی خوانساری، علی. «**حمله حیدری، تأملی درباره داستان‌های منظوم درباره مولای متقیان و معرفی یک شاعر**». کتاب ماه هنر، شماره ۳۱، ۱۳۸۰.
- ۲۰- کزازی، جلال‌الدین. «**حماسه دینی آمیزه‌ای از اسطوره و حقیقت؛ تحلیل مبانی حماسی و ادبی واقعه کربلا در گفتگو با میرجلال‌الدین کزازی**». گفتگو کننده فرزانه ابراهیم‌زاده، ابرار، ۲۲ اسفند، ۱۳۸۳.
- ۲۱- محمد رفیع بن محمد المشهدی متخلص به باذل. **کلیات حمله حیدری در مناقب علی(ع)**. تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۶۱.

❏ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴



بررسی سبک‌شناسانه حماسه‌های دینی در ادب پارسی  ۳۵

- ۲۲- ملابمانعلی راجی کرمانی. **حمله حیدری**. تصحیح یحیی طالبیان و محمود مدبری؛ کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان کرمان، ۱۳۷۹.
- ۲۳- ملابمانعلی راجی کرمانی. **گزیده حمله حیدری بزرگترین حماسه مذهبی**. تحقیق و گزینش حسین بهزادی اندوهجردی، چاپ اول؛ تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۰.
- ۲۴- ناظرزاده کرمانی، فرهاد. «**حمله‌خوانی گونه مهمی از نقالی مذهبی در ایران**». مجله کتاب ماه هنر، شماره ۳۹، ۱۳۷۸.
- ۲۵- واعظی، مرادعلی. **مجموعه مقالات ابن حسام خوسفی**، «شعر و شاعری از زبان ابن حسام خوسفی». مجله خراسان پژوهی، شماره ۴، ۱۳۷۸.

Archive of SID

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۴